

ارزیابی و تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمان بر مبنای مهارت‌های تفکر انتقادی

حسین کریمیان^۱
دکتر فائزه ناطقی^۲
دکتر محمد سیفی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱

چکیده

هدف ارزیابی و تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمان بر مبنای تفکر انتقادی لیپمن در سطوح (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح) است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. جامعه آماری کل کتب هدیه‌های آسمان است که شامل کلیه کتاب‌های دوم تا ششم تحصیلی است که کل کتابها بعنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات (چک لیست) محقق ساخته بر اساس مولفه‌های لیپمن با روایی صوری متخصصین است. تحلیل داده‌های جمع آوری شده از متون کتاب‌های مذکور نشان داد: ۱- بین میزان توجه کتب در پایه‌های تحصیلی به مهارت‌های تفکر انتقادی در سطوح مختلف (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی، توضیح) متفاوت است. ۲- سطح تجزیه و تحلیل در خصوص مهارت‌های تفکر انتقادی در کل کتابها پایین تر از حد مطلوب است. ۳- مهارت ترکیب از مهارت‌های تفکر انتقادی در کتب هدیه‌های آسمان کمتر از حد انتظار می‌باشد. ۴- سطح ارزشیابی در ارتباط با مهارت‌های تفکر انتقادی در کل کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی پایین تر از حد مطلوب است. ۵- مهارت توضیح از مهارت‌های تفکر انتقادی در کتب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی گر چه نسبت به دیگر مهارت‌ها بالاتر است ولی کمتر از حد انتظار می‌باشد. ۶- در کل میزان توجه کتب هدیه‌های آسمان به مهارت‌های تفکر انتقادی در سطح پایین است.

کلید واژه ها: تحلیل محتوا، مهارت‌های تفکر انتقادی، دروس هدیه‌های آسمان، دوره ابتدایی.

^۱ - استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. hosein.karimian46@yahoo.com
^۲ - استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول) f-nateghi@iau-arak.ac.ir
^۳ - استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. Seifi_ir_2000@yahoo.com

مقدمه

روش تحلیل محتوا یکی از پرکاربردترین روش‌های تحقیق در مطالعات علوم اجتماعی، رفتاری و انسانی است. در نظام آموزشی فعلی کشور، کتاب درسی مهم‌ترین ابزار آموزش و دربردارنده‌ی محتوای برنامه‌های درسی است؛ از این رو، بررسی محتوای کتاب‌های درسی، به دلایل مختلف همچون مطابقت با اهداف برنامه‌ی درسی یا شناسایی نقاط قوت و ضعف کتاب‌های درسی، امری ضروری است. این بررسی می‌تواند به روش‌های مختلفی صورت گیرد که تحلیل محتوا از متداول‌ترین این روش‌هاست. رشد و پرورش تفکر انتقادی، نقش موثری در شکوفایی استعداد‌های دانش‌آموزان در جهت کسب مهارت‌های لازم برای تولید دانش و تحکیم بنیان‌های علمی در زمینه توسعه و فناوری و تعالی فردی و اجتماعی خواهد داشت و شاخصی مهم در ایجاد تحول علمی می‌باشد. یکی از اهداف اساسی هر نظام آموزشی، تربیت انسان‌های هشیار و آگاهی است که تفکر خود را بر پایه استدلال صحیح و منطقی بنا نهاده، در برخورد با دنیای پیرامون خویش با اندیشه‌های جامع و عمیق جوانب مختلف امور را بررسی نموده و از قابلیت انعطاف بالایی در مواجهه با مسائل زندگی برخوردارند؛ قدر مسلم مهم‌ترین وجه تمایز بشر از دیگر مخلوقات در نگاه اول قدرت و شیوه تفکر اوست، زیرا تفکر شکل پیچیده رفتار انسان و عالیترین شکل فعالیت عقلی و ذهنی است که در قالب یک فرایند شناختی به کمک نمادها مشخص می‌شود. قدر مسلم ارزش هر انسان در نیکو اندیشیدن او است. از این رو تفکر و مهارت درست اندیشیدن از جمله مسائل مهمی است که از دیر باز همواره ذهن اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. مسأله اساسی تربیت، تفکر است (اسمیت^۱، ۱۳۷۰). حال اگر به مسأله مهم تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی دانش‌آموزان توجه کرده باشیم مشاهده می‌کنیم که فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه رشد تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی وجود ندارد. به رغم وجود مبانی نظری قابل توجه و تاکید رویکردهای مختلف بر مباحثه، مناظره، حل مسأله و تفکر انتقادی اغلب معلمان در فرآیند آموزش سوال‌هایی را مطرح می‌کنند که اغلب در چند کلمه و با استفاده از کتاب می‌توان به آنها پاسخ گفت. اکثر آنها بر این باورند که در زمینه پاسخ‌های مطرح شده فقط باید یک پاسخ درست وجود داشته باشد و خود را داور نهایی پاسخ به حقایق علمی می‌دانند. بحث و استدلال جایگاه چندانی در کلاس ندارد. بسیاری از معلمان و مجریان برنامه‌های درسی همواره با این سوال مواجهند که چگونه می‌توان از دانش‌آموزان منفعل، شاگردانی فعال و با

^۱ Smith

بینش علمی و تفکر انتقادی تربیت کرد؟ اصولاً تفکر انتقادی چیست و چگونه پرورش می‌یابد؟ مدارس چگونه باید فرصت‌هایی را فراهم کنند تا دانش‌آموزان بتوانند مطالب آموخته شده را به موقعیت‌های جدید انتقال دهند؟ چه روشی را باید در فرایند آموزش درپیش گرفت تا دانش‌آموزان روش‌اندیشیدن، تحلیل و قضاوت را بیاموزند؟ (شعبانی، ۱۳۷۹). حال تفکر چه زمانی ارزشمند است؟ هنگامی که عمیق، مستدل و روشمند باشد، این چیزی است که در تفکر انتقادی^۱ خلاصه می‌شود. به نظر می‌رسد مهمترین نقطه شروع آموزش تفکر انتقادی، نظام آموزش و پرورش^۲ هر جامعه می‌باشد و تنها راه وارد کردن تفکر انتقادی در داخل جامعه از طریق آموزش و پرورش و نهادینه کردن آن است (ندافی، ۱۳۹۳).

با عنایت به مطالب مطرح شده هدف از تعلیم و تربیت انتقادی چیست؟ در جواب باید گفت آماده سازی شهروندانی آگاه و انتقادی برای مشارکت فعال در جامعه است. هدف این است که شاگردان بر مبنای نقادی‌های خود، مدرسه را اصلاح کنند به نحوی که مدارس به فضاهای عمومی آزاد منبانه تبدیل شوند تا نسل جوان با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های راستین اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و مدنی خویش فعالیت کنند. بنابراین، برای رسیدن به این مقصود مدرسه به طور مستقیم با مسائل اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند، لذا یادگیری در چنین دیدگاهی فقط معلول تعامل دانش‌آموز با محیط نیست، فراگیر در دیدگاه انتقادی به منزله عنصری نگریسته می‌شود که می‌تواند در جریان تغییر فعالانه حضور یابد و در واقع عامل تغییر است. در این دیدگاه آن نوع یادگیری ضروری است که تنوع فرهنگی دانش‌آموزان را تایید و ترغیب می‌کند. بینش محوری در این دیدگاه نقد است که موضوعات و مسائل اجتماعی را دانش‌آموزان به چالش می‌کشند (میلر^۳، ۱۳۸۲).

ایجاد تفکر انتقادی در دانش‌آموزان را می‌توان یکی از اهداف اساسی نظام تعلیم و تربیت در سطح جهانی انگاشت که جزء جدایی‌ناپذیر هر نظام آموزشی است، زیرا در فرایند آموزش باید ضمن تقویت روحیه انتقادپذیری در معلمان، روحیه انتقاد کردن و زمینه بررسی و تحقیق را در شاگردان به وجود آورد، اما متأسفانه مدرسه‌های امروز عمدتاً به دلیل پیشرفت‌های علوم و فنون و با توجه به بعضی از رویکردهای روان‌شناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال اطلاعات و حقایق معطوف کرده‌اند و از تربیت انسان‌های متفکر و خلاق فاصله گرفته‌اند. در حالیکه هر نظام آموزشی برای موفق شدن به

¹ - critical thinking

² - Education

³ - Miller

توانایی افراد خود در تحصیل و تصمیم‌گیری متفکرانه نیازمند است (شعبانی، ۱۳۸۲). از این رو یکی از هدف‌هایی که آموزش و پرورش باید به آن بپردازد، پرورش توانایی تفکر انتقادی در دانش‌آموزان است. آرمان‌های تربیتی تعلیم و تربیت انتقادی « درگیر شدن دانش‌آموزان با مباحث و موضوعات اجتماعی و پرورش مهارت‌های مربوط به حضور موثر در تغییر اجتماعی است. در تعلیم و تربیت انتقادی به گفتگو به عنوان روش آموزشی، تاکید زیادی شده، نظریه‌پردازان آموزش انتقادی بر این باور هستند که دانش و نگرش با گفتگو ساخته می‌شود. گفتگو روشی است که از طریق آن شاگردان و معلمان در کلاس درس با به کارگیری زبان، نماد و تصویر با هم تعامل می‌کنند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند. این روش در تعلیم و تربیت انتقادی ابزاری است که می‌تواند فرایند هوشیار سازی و انتقادی شدن فراگیران را فراهم کند (میلر، ۱۳۸۲). در چنین تعلیم و تربیتی نظریه‌پردازان انتقادی، فرایند باز اندیشی برنامه درسی را با نقد برنامه درسی موجود آغاز می‌کنند. آنان معتقدند برنامه درسی حداقل دو وجه دارد، یکی برنامه درسی آشکار که از مهارت‌ها و موضوع‌های شناخته شده متشکل است و دیگری برنامه درسی پنهان که به صورت پنهان؛ ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها را شکل می‌بخشد، برنامه آشکار وضع موجود را تحکیم می‌کند. ارزشیابی در دیدگاه تعلیم و تربیت انتقادی ممکن است در ابعاد مختلفی انجام شود. معلم می‌تواند مجموعه کارهایی را ارزیابی کند که دانش‌آموزان انجام داده‌اند. ارزشیابی به طور مستمر و اساسی نه فقط در پایان نیم سال، بلکه به طور مستمر در فرایندهای یاددهی - یادگیری انجام می‌شود. ارزشیابی در این دیدگاه کیفی است. «ارزشیابی مستمر از فراگیران بخش مهمی از الگوی آموزشی تعلیم و تربیت انتقادی است.» (فریره،^۱ ۱۳۶۸).

در ارتباط با اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی باید در نظر داشت که زندگی در جامعه پیچیده امروزی نیازمند افرادی است که قادر هستند با تکیه بر تفکر و اندیشه خود بر مسائل پیرامون خویش فائق آیند و در چارچوب و چشم‌انداز روشنی، اطلاعات لازم را در مورد زندگی خویش جمع‌آوری و ترکیب کنند و با یک دلوری خوب، آنها را ارزیابی نمایند و از کارهای ناممکن پرهیزند در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیم‌های اساسی نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی هستند تفکر انتقادی با عنوان تفکری که قضاوت را آسان می‌کند، توصیف می‌شود زیرا بر معیار تکیه می‌کند، خود مصحح است و نسبت به متن حساس است (لیپمن،^۲ ۱۹۹۸).

^۱ - Ferrire^۲ - Lipman

برای اینکه فرد بتواند تصمیم مهمی در زندگی بگیرد، می‌بایست قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد. داشتن توانایی و مهارت‌های تفکر انتقادی به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا بتوانند در زندگی، اطلاعات پیرامون خود را پردازش نمایند، بطور عینی به استدلال و استخراج نتایج از انواع متنوع اطلاعات پرداخته و به طور مؤثر، عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات بپردازند و با وجود اطلاعات ناقص، تصمیم‌گیری معقول و مستندی اتخاذ نمایند در واقع خردمند هر کاری را به فرمان خرد و اندیشه می‌کند. پرورش تفکر انتقادی با موانعی روبرو است از جمله؛ کم توجهی به مهارت‌های (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت و جمع بندی) که این کم توجهی در عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش و ارزشیابی) قابل مشاهده است (علیپور، ۱۳۹۲). موانعی که باعث کاهش اثر گذاری برنامه‌های درسی در راستای رشد تفکر انتقادی می‌شوند شامل؛ موانع داخلی مثل، عدم تناسب محتوای برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس و ارزشیابی با انتظارات تفکر انتقادی، و موانع خارجی شامل؛ برنامه آموزشی فشرده، کلاس‌های بزرگ، زمان محدود کلاس درس و اشتغال بیش از حد مریبان بدلائیل متعدد و در نتیجه کاهش نقش معلمی در ایجاد فضای فکری مناسب جهت به چالش کشیدن افکار می‌باشد (بابامحمدی، ۱۳۸۳).

در جامعه ایران، انتقاد و انتقاد کردن طنینی منفی دارد. انتقاد حامل نفی و طرد کردن، نپذیرفتن، عیب و ایراد گرفتن و غیره دانسته می‌شود. ضروری است تا به این نکته پردازیم که در مفهوم انتقاد، رویکرد منفی، طرد کنندگی و ایراد گیری وجود ندارد (قاضی مرادی، ۱۳۹۱). اما بیشتر اوقات کلمه انتقادی معنای ضمنی نقد کردن را به ذهن شنونده متبادر می‌کند که بعد منفی دارد و تأثیری ناخوشایند و نامساعد بر یک ایده، تئوری یا عمل می‌گذارد، و اگر از واژه انتقادی، در تفکر انتقادی این معنا استنباط شود مسلماً به تفکر انتقادی به منزله نوعی ارزیابی غیر سازنده نگریده می‌شود (آندولیا،^۱ ۲۰۰۱). به این نکته مهم باید توجه داشت که: منظور از تفکر انتقادی تفکر اندیشمندانه است نه گله مندانه یا شکایت آمیز، مواردی از تفکر انتقادی شامل؛ درک و فهم و تفسیر مطالب، تشخیص و تحلیل سوال ها، تشخیص و کاربرد منطق (قیاس، استقرا، استنباط)، نتیجه گیری معقول از اطلاعات، تمایز بین حقایق از عقاید، داوری در باره اعتبار منابع، تصمیم گیری در باره اعمال مختلف، تشخیص فرض‌های بیان نشده، تشخیص بیانات کلیشه ای و قالبی، تشخیص نظام‌های ارزشی و عقیدتی مختلف، طرح سوال و پاسخ گویی به آن (سیف، ۱۳۹۱).

^۱ - Andolia

دین اسلام رکن اساسی و پایه اصلی خود را توحید قرار داده است، توحید بالاترین و عظیم ترین اندیشه ای است که به تفکر بشر رسیده، بسیار دقت و نازک کاری می خواهد، و از طرفی در اصول این دین و بالخصوص در اصل اصول آن یعنی توحید، تقلید محکوم شده و تحقیق لازم شمرده شده، ناچار باید این دین، «تفکر» و «تدبّر» و «تحقیق و جستجو» را فرض بشمارد، و قسمت مهمی از آیات (کتاب) خود را به این موضوع اختصاص بدهد و همین کار را کرده است (مطهری، ۱۳۷۴).

بطور کلی در زمینه ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱- تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد

آدمی می شود.

۲- تفکر انتقادی منطبق با ویژگی های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی

است.

۳- متناسب با ویژگی های عصر فراصنعتی و تغییر و تحول فزاینده آن است.

۴- کاربردی کردن یادگیری یا یادگیری بر اساس فعالیت خود یادگیرنده انجام

می شود.

۵- بر گرفته از اهداف تعلیم و تربیت است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰).

بنا بر مطالب عنوان شده در ارتباط با اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی می توان از طریق ایجاد روابط معقول میان انسان ها و تصمیم گیری بر اساس تحلیل عناصر یک موقعیت و تفکیک عناصر مطلوب از نامطلوب، زندگی توأم با آرامش را به ارمغان آورد، لذا بایستی از همان ابتدای تحصیل دانش آموزان را با این نوع تفکر رشد داد که در این زمینه دروس هدیه های آسمانی بیشتر با تفکر انتقادی مرتبط می باشد و لازم است که میزان توجه به مهارت های تفکر انتقادی در برنامه درسی هدیه های آسمانی دوره ابتدایی پژوهش هایی صورت گیرد تا بتوان با راهکارهای مناسب، برنامه های درسی را در ابتدای آموزش به سمت پرورش تفکر انتقادی هدایت نمود.

تفکر انتقادی به معنای تفکر مستدل و تیزبینانه در باره این که چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم می باشد (انیس^۱، ۱۹۸۵). تفکر انتقادی تصمیم گیری عقلانی است در باره این که چه چیزی را باید باور کرد و چه چیزی را نباید باور کرد (نوریز،^۲ ۱۹۸۵). تفکر انتقادی عبارت است

^۱ - Ennis

^۲ - Norris

از آزمون و بررسی قابلیت کارایی راه حل‌های پیشنهاد شده است (لیندزی، هال و تامسون،^۱ ۱۹۸۷). تفکر انتقادی به معنای: صورت بندی استنتاج‌های منطقی است (سیمون و کاپلان،^۲ ۱۹۸۹). تفکر انتقادی توسعه الگوهای استدلال منسجم و منطقی است (استل و استل،^۳ ۱۹۹۱). تفکر انتقادی فرآیند تفکر را با روش و قاعده کشف می‌کند که این نه تنها به معنای تعمق هدفمندانانه است، بلکه آزمودن مدرک و منطقی است که ما و دیگران از آن استفاده می‌کنیم (چافی،^۴ ۲۰۰۶). تفکر انتقادی یعنی؛ ارزیابی تصمیمات از راه بررسی منطقی و منظم مسایل و شواهد راه حل هاست (وولفولک،^۵ ۱۹۹۵، به نقل از سیف، ۱۳۷۹). تفکر انتقادی به معنای یافتن نوعی از دانش و بینش است که با آن بتوان با گسترش علوم همخوانی یافته، فرصت آزادی دادن به فکر و اندیشه است که سبب ایجاد توانایی بحث و اظهار نظر در فرد می‌شود. تفکر انتقادی جهت دهنده ذهن به تفکر است. تفکر انتقادی نقد کردن صرف نیست (وینینگهام و پروسر،^۶ ۲۰۰۱). تفکر انتقادی تقریباً به معنای تفکر اندیشمندانه و منطقی است که روی تصمیم‌گیری برای انجام دادن چیزی یا باور آن متمرکز است. از این اصطلاح این روزها به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود (انیس،^۷ ۲۰۰۲). تفکر انتقادی؛ فرآیند منظم ذهن در تفکر، تحلیل، ترکیب و ارزیابی فعالانه و ماهرانه اطلاعات گردآوری شده از طریق مشاهده، تجربه، تأمل و استدلال که به‌عنوان راهنمای عمل و اعتقاد فرد محسوب می‌گردد (اسکریون و پال،^۸ ۲۰۰۴). تفکر انتقادی به معنای: تعیین هشیارانه و آگاهانه پذیرفتن و رد کردن یا قضاوت معلق است. تیواری^۹ (۲۰۰۸) در دایره المعارف جامع آموزش و پرورش، تفکر انتقادی را به معنای کاربرد دیدگاه‌ها و رویکردهای شخصی به جای پذیرش ساده و بدون ارزیابی در مورد قضاوت‌ها، نگرش‌ها و اطلاعات دیگران تعریف نموده است. بررسی لغت نامه‌های متفاوت برای یافتن تعریف مشترک از تفکر انتقادی نشانگر آن است که اغلب آن‌ها تفکر انتقادی را استفاده از ذهن برای قضاوت و ارزیابی دقیق و سنجیده در نظر می‌گیرند (نیکولز،^{۱۰} ۲۰۰۳). (به نقل از: عباسی یاد کوری، ۱۳۸۱). تفکر انتقادی یعنی قدرت تنظیم کلیات (توانایی ایجاد یک چارچوب تحلیلی) پذیرفتن

³ - Lindsig & Hall & Thomson

² - Simon & Caplan

⁵ - Stel & Stel

⁶ - Chaffee

⁷ - Voolfolk

⁸ - Winningham & Preusser

¹ - Scrgon & Paul

² - Tiwari

³ - Nichols

احتمالات نوین (پرهیز از پیشداوریها) و توقف داوری (تردید سالم، پرهیز از تعجیل در قضاوت) (مایرز، ترجمه ایلی، ۱۳۸۶).

یونیسف (۲۰۰۳) در آخرین تقسیم بندی خود، مهارت تصمیم گیری و تفکر انتقادی را یکی از مهارت‌های زندگی برشمرده است. در جهان امروز هر انسانی برای درست زیستن نیازمند فراگیری درست فکر کردن می‌باشد. تفکر انتقادی در واقع به نقد و تحلیل کشیدن تأثیرات رسانه‌ها و همسالان، تحلیل نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و اعتقادات و عوامل تأثیرگذار بر آنها و شناسایی اطلاعات مرتبط و منابع اطلاعاتی است (کردنوقابی و پاشا شریفی، ۱۳۸۴). با گذشت زمان، اصطلاحات مربوط به اندیشیدن بسیار افزایش یافتند و مترادف‌های بسیاری، مانند «تفکر انتقادی»، «حل مسئله» و «تفکر سطح بالا» به وجود آوردند.

مهارت‌های اصلی شناختی تفکر انتقادی شامل:

- تفسیر؛ به معنی درک و بیان معانی مربوط به تجربیات متنوع است.
 - تحلیل؛ به معنی تشخیص هدف مطالب و پی بردن به ارتباطات موجود در بین آنها می‌باشد.
 - ارزش یابی؛ به معنی تعیین اعتبار مطالب و ارزیابی نحوه ارتباطات بین آنها می‌باشد.
 - استنباط؛ به معنی توانایی نتیجه گیری از مطالب می‌باشد.
 - توضیح؛ به معنی موجه نمایی و بیان نتایج استدلال فرد است.
 - خود تنظیمی؛ به معنی اصلاح و بازبینی تفکرات خود بر اساس مطالب مورد بررسی می‌باشد.
- این مهارت‌ها در گذشته و به طور معمول تحت عناوین استدلال استقرایی و قیاسی دسته بندی می‌شدند. استدلال استقرایی به معنی استخراج نتیجه بر اساس دلایل منطقی است و استدلال‌های قیاسی به عنوان نتیجه گیری بر اساس یک استنباط یا اصل کلی می‌باشد (خلیلی، ۱۳۸۲). در مکتب اسلام نیز اهمیت خاصی به اندیشه و تفکر داده شده است و تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه عقلی و منطقی بارها در قران مورد تقبیح واقع شده است. بطور نمونه؛ در سوره بقره آیه (۱۶۹)، آل عمران آیه (۱۰۴)، نحل آیه (۱۲۴)، حج آیه (۴۶)، رعد آیه (۳)، انعام آیه (۵۰)، زخرف آیه (۲۳)، مشاهده می‌کنیم که توجه نکردن به نگرش انتقادی به سنت و عاداتی که از گذشتگان به افراد منتقل شده است و آنها بدون تحلیل و نقادی و صرفاً از روی تعصب به پذیرش آن اقدام کرده‌اند مورد مذمت قرار گرفته اند. در سوره زمر آیه ۱۷ می‌خوانیم: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه؛ در این آیه صراحتاً آمده که تحمل قول مخالف را داشته باش همه را گوش کن و بهترین را انتخاب کن.

همچنین مساله امر به معروف و نهی از منکر و یا حدیث مومن آینه مومن است همه بیانگر آن است که جهت رشد و تکامل چیزی را بی دلیل نپذیرد و نقاد و سازنده باشید.

علاقه به توسعه توانایی‌های تفکر انتقادی و خلاق در محافل آموزشی پدیده جدیدی نیست. چت مایرز مؤلف کتاب «آموزش تفکر انتقادی» معتقد است منشأ چنین علاقه ای به آکادمی افلاطون بر می‌گردد. سقراط در ۲۵۰۰ سال پیش اهمیت پرسش سؤالات عمیق را که موجب می‌شوند انسان قبل از پذیرش ایده ای به تفکر در آن بپردازد و نیز اهمیت جستجوی شواهد، آزمایش دقیق، استدلال، فرضیه ها و تحلیل مفاهیم اساسی را نشان داد. روش او بهترین راهبرد آموزش تفکر انتقادی می‌باشد. روش سقراط به وسیله افلاطون و ارسطو دنبال شد (مایرز، ترجمه ایلی، ۱۳۸۶).

تفکر انتقادی ظاهراً با کارهای جان دیویی در سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۹ شروع شده است. او واژه‌های تفکر توأم با تأمل و کند و کاو را به کار می‌برد. از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۱ ادوارد گلاسر^۱، دیوید راسل^۲ و اوتانل اسمیت^۳ واژه تفکر انتقادی را در معنای «آزمون گزاره‌ها» به کار بردند. تفکر انتقادی از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹ در نوشته‌های رابرت انیس^۴، کارل بودمن^۵، آلن روت^۶، روبرت روت^۷ و ادوارد انگلو^۸ به معنای «حل مسئله» و «روش علمی» به کار رفت که دربرگیرنده ارزیابی گزاره‌ها هم بود؛ اما از سال ۱۹۸۰ به این سو، با مقالات رابرت انیس، جان مک پک^۹، هاردی سیگل^{۱۰} و ریچارد پاول^{۱۱} معنای تفکر انتقادی عریض‌تر و شامل جنبه‌های مختلف حل مسئله شد. در این دیدگاه جدید، چنین عنوان شد که برای بهبود وضعیت تفکر، باید ابعاد مختلف تفکر، یعنی تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی آموزش داده شود. ژان ژاک روسو^{۱۲} معتقد است که انباشتن مغزها با اطلاعات و حقایق محض اتلاف هزینها، ضایع نمودن استعدادها و تلف کردن وقت نسل جوان یک جامعه است وی می‌گوید که به جای انتقال اطلاعات باید به گسترش و تقویت قوای ذهنی افراد پرداخته شود.

¹- Edward M. Glaser

²- David H. Russell

³- B. Othanel Smith

⁴- Robert H. Ennis

⁵- Karl O. Budmen

⁶- R. R. Allen Rott

⁷- Robert K. Rott

⁸- Edward D'Angelo

⁹- John E. Mcpeck

¹⁰- Harvey Siegel

¹¹- Richard W. Pau

¹²- J.G. Rosso

در سال ۱۹۱۰ دیویی^۱ در کتاب «چگونه می‌اندیشیم» مفهوم «تفکر انعکاسی» را معرفی کرد. اساسی‌ترین فرضیه دیویی این بود که یادگیری تا درج‌های پیش می‌رود که فرایند اندیشیدن پدیدار می‌شود. او معتقد است اگر فراگیر فعالانه به جمع‌آوری و آماده کردن یافته‌هایی که مفاهیم از آن استخراج شده‌اند بپردازد آن مفاهیم برای وی بسیار با معنا بوده و برای مدت طولانی‌تری در ذهن وی باقی می‌ماند و در آینده نیز به راحتی قابل دستیابی خواهد بود (شریعتمداری، ۱۳۹۳). هانگ و ژیو^۲ (۲۰۱۴) تحقیقی تحت عنوان "کمک به دانش آموزان در بکارگیری انتقاد و مهارت‌های انتقادی" در کشور چین انجام داده‌اند. حاصل نتایج آنها بیانگر آن است که میزان استفاده از مهارت تفکر انتقادی در میان دانش آموزان پایین بوده است و از این روی باید بدانها راهنمایی‌هایی صورت گیرد تا بتوانند این مهارت‌ها را در عرصه عمل تربیتی به کار گیرند. دمیرهان و کولوکایا^۳ (۲۰۱۴) تحقیقی تحت عنوان "استفاده از تفکر انتقادی در بین معلمان علوم" انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بیشتر معلمان چندان تمایلی به استفاده از تفکر انتقادی در تدریس خود نداشته‌اند.

شاکر و یورتسیور^۴ (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان "میزان استفاده از تفکر انتقادی در بین دانش آموزان" انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده دانش آموزانی که دارای عملکرد بهتر درسی و نمرات بهتری بوده‌اند، از تفکر انتقادی بیشتری بهره‌مند بوده و در مطالعات خویش آن را به کار برده‌اند. شومن^۵ (۲۰۱۲) تحقیقی تحت عنوان "بررسی میزان تاثیرگذاری انتقاد و انتقادی‌اندیشی در نظام‌های آموزشی" به بررسی نقش انتقاد و تفکر انتقادی در برنامه تربیت معلم کشور آلمان می‌پردازد و اشاره می‌کند که نظام‌های تربیتی همچون برنامه تربیت معلم در این کشور، نقشی پررنگ و اساسی در آموزش و بالا بردن تفکر انتقادی در دانش آموزان دارند و در صورت برنامه ریزی و کاربرد نظام مند تفکر انتقادی از سوی آن‌ها در آموزش به دانش آموزان، این افراد هم می‌توانند با مهارت‌های انتقادی آشنا شده و چگونگی بکارگیری آن را در استدلال‌ها و فرایند تربیتی خود بیاموزند. استونر^۶ (۲۰۱۱) تحقیقی تحت عنوان "آموزش تفکر انتقادی" انجام داده که نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش تفکر انتقادی منجر به انگیزه یادگیری، کسب مهارت‌های حل مساله، تصمیم‌گیری و

¹-Dewey

¹- Hang & Geo

²- Demirhan & Koklukaya

³- Cakir & Yurtsever

⁴- Showman

¹ - Stones

خلاصیت می‌گردد. کورتیس^۱ (۲۰۰۸) تحقیقی با عنوان "رابطه بین رویکردهای تدریس و میزان تفکر انتقادی" انجام داده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه مستقیمی بین رویکردهای تدریس مربیان و میزان تفکر انتقادی شاگردان وجود دارد و تدریس در کلاس‌های درسی باید از برنامه‌های منفعل و حفظ مفاهیم به سمت تفکر انتقادی به عنوان یک مولفه در تسهیل یادگیری انتقال یابد. کویترز^۲ (۲۰۰۷) تحقیقی تحت عنوان "محیط آموزشی و تعامل فراگیران با یادگیری مشارکتی" انجام داده که نتایج پژوهش نشان داده است یادگیری مشارکتی به ایجاد تفکرانتقادی در تدریس کمک می‌کند. چافی^۳ (۲۰۰۶) تحقیقی با عنوان "آموزش تفکرانتقادی از طریق برنامه درسی" انجام داده که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مربیان با استفاده از روش بین رشت‌های در تدریس تفکر انتقادی، توانسته‌اند یادگیری پایداری را در شاگردان که مشارکت فعال در آموزش‌های‌شان داشته‌اند ایجاد نمایند. کلاین^۴ (۲۰۰۶) تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه میزان تعامل شاگردان در کلاس و اثر آن بر تفکر انتقادی" نشان داده که تعامل می‌تواند آنها را به سطح بالاتری از تفکر برساند و مشارکت بیشتر در کلاس با رشد تفکر انتقادی همراه است، در واقع کنش و واکنش فراگیران، توانایی استدلال آنها را افزایش می‌دهد.

کانل^۵ (۲۰۰۵) تحقیقی تحت عنوان "مقایسه میزان مهارت‌های تفکر انتقادی در شیوه‌های سنتی و مشارکتی" انجام داده است که نتایج پژوهش نشان داده است مشارکت بیشتر دانش آموزان در کلاس درس با رشد تفکر انتقادی همراه است.

پژوهش‌های مایرز، فولر، مالکانی و آلن^۶ (۲۰۰۵) نشان داده است که تفکر انتقادی مهارتی آموختنی و یادگرفتنی است. نتایج تحقیقات بیانگر آن است که در ارتباط با رشد تفکر انتقادی در برنامه درسی؛ یادگیری مشارکتی، تعامل دانش آموزان با محیط آموزشی، روش حل مساله نقش موثری در پرورش تفکر انتقادی آنان دارد.

قاسمی و کاظمی (۱۳۹۳) تحقیقی تحت عنوان "تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" انجام

² - Kortis

³ - Quitzz

⁴ - Chaffee

⁵ - Clain

¹ - Kannel

² - Mgers & Fooler & Malcong & Alen

داده‌اند که نتایج پژوهش نشان داده است از بین حوزه‌های یادگیری، به حیطه شناختی به‌خصوص به طبقه دانش، بیش از سایر حیطه‌ها و طبقات یادگیری توجه گردیده و با عنایت به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اهداف تدوین شده در کتاب مذکور، در محورهای جدول طراحی اهداف کتب درسی برای بعضی از اهداف تفصیلی برنامه درسی ملی به اهداف کمتری اشاره شده و یا به کلی محتوا و اهدافی در کتاب منظور نشده است.

علیپور (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان "موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه با تاکید بر مهارت‌های؛ تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت" انجام داده که نتایج پژوهش نشان داده که موانع تفکر انتقادی شامل؛ کم توجهی به مهارت‌های؛ تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و قضاوت و جمع بندی در عناصر برنامه درسی (هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی) قابل مشاهده می‌باشد.

سرمد و سیدی (۱۳۹۲) تحقیقی تحت عنوان "بررسی تاثیر آموزش تفکر انتقادی بر پیشرفت تحصیلی" انجام داده اند. پیش آزمون و پس آزمون نمره تفکر انتقادی مشخص گردیده و با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری نشان داده شده که آموزش تفکر انتقادی موجب پیشرفت تحصیلی شاگردان گردیده و موجب بهبودی در تفکر آنان شده است.

عارفی و رضایی زاده (۱۳۹۰) تحقیقی تحت عنوان "مروری بر نقش و جایگاه برنامه درسی در رشد تفکر انتقادی" انجام داده‌اند که نتایج پژوهش نشان داده است، برنامه درسی مبتنی بر رویکردهای یادگیری فعال تاثیر انکار ناپذیری بر رشد تفکر انتقادی شاگردان دارد.

رضویان و سلطان قرایی (۱۳۸۹) تحقیقی تحت عنوان "بررسی ادراک معلمان از تفکر انتقادی" انجام داده‌اند که نتایج پژوهش نشان داده در زمینه تفکر انتقادی، پیش نیازهای آموزش تفکر انتقادی، روش‌های آموزش تفکر انتقادی و نتایج استفاده از تفکر انتقادی، بیانگر آن است که روش‌های آموزش تفکر انتقادی مناسب نیست و آشنایی بیشتر آنها با این موارد ضروری به نظر می‌رسد.

سلطان قرایی (۱۳۸۷) در ارتباط با "ضرورت آموزش انتقادی در کلاس درس" تحقیقی انجام داده که نتایج نشان می‌دهد: صرفاً حفظ و انباشتن مطالب در ذهن نمی‌تواند ملاک عمل باشد، بلکه برای رشد تفکر انتقادی لازم است مربیان چارچوب‌های مقتضی از جمله عادت دادن شاگردان به خوب تامل کردن، خوب اندیشیدن، خوب گوش دادن و دیگر مهارت‌های لازم را به شاگردان آموزش دهند.

هاشمیان نژاد (۱۳۸۰) تحقیقی تحت عنوان "ارایه چهارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تاکید بر برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی" انجام داده که

در یافته‌های پژوهش به هشت مهارت برای پرورش تفکر انتقادی پرداخته است که شامل؛ سوال کردن، تحلیل کردن، ارزیابی، ارتباط دادن، استدلال کردن، سازماندهی مفاهیم علمی مفاهیم مربوط، استفاده از واژگان انتقادی و فراشناخت می‌باشد.

در این مقاله سعی شده است تا کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی نسبت به مساله میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح) بر اساس تحلیل محتوا مورد بررسی و کنکاش بگیرد. بر این اساس سوال اصلی تحقیق عبارت است از: میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی تا چه حدی است؟

روش شناسی

روش تحقیق از نظر اهداف، کاربردی و به لحاظ شیوه جمع آوری اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری تحقیق، کلیه کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی است که از دوم تا ششم را شامل می‌گردد. ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسش نامه محقق ساخته بر مبنای مهارت‌های تفکر انتقادی است که در کتب کد گذاری می‌گردد و فراوانی هر مهارت در هر درس مشخص شده و درصد آن معین می‌شود.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌ها به ترتیب سوالات تحقیق به شرح زیر در قالب جداول ارائه شده است. سوال اول پژوهش عبارت است از: تا چه میزان در برنامه‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی به رشد مهارت تجزیه و تحلیل در فراگیران توجه شده است؟

جدول شماره ۱- مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (بر اساس مهارت تجزیه و تحلیل)

پایه تحصیلی	عنوان	کل جملات کتاب	فراوانی	درصد
دوم	هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی	۵۰۱	۸	۱/۵۹
سوم	هدیه‌های آسمان دوره سوم ابتدایی	۴۶۷	۱۱	۲/۳۵
چهارم	هدیه‌های آسمان دوره چهارم ابتدایی	۵۵۱	۱۴	۲/۵۴
پنجم	هدیه‌های آسمان دوره پنجم ابتدایی	۷۳۳	۱۲	۱/۶۳
ششم	هدیه‌های آسمان دوره ششم ابتدایی	۵۸۰	۷	۱/۲۰
جمع کل				
میانگین کل تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (بر اساس مهارت تجزیه و تحلیل)		۵۶۶/۴	۱۰/۴	۱/۸۶

همانطور که داده‌های درج شده در جدول حاصل از مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بر اساس میزان تاکید بر مهارت تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد از کل جملات کتابها (۲۸۳۲ جمله) تنها ۵۲ جمله یعنی ۱/۸۶٪ از جملات کل کتابها با مولفه‌ی مهارت تجزیه و تحلیل مرتبط هستند.

سوال دوم پژوهش عبارت است از: تا چه میزان در برنامه‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی به رشد مهارت ترکیب در فراگیران توجه شده است؟

جدول شماره ۲- مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت ترکیب)

پایه تحصیلی	عنوان	کل جملات کتاب	فراوانی	درصد
دوم	هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی	۵۰۱	۲۶	۵/۱۸
سوم	هدیه‌های آسمان دوره سوم ابتدایی	۴۶۷	۲۰	۴/۲۸
چهارم	هدیه‌های آسمان دوره چهارم ابتدایی	۵۵۱	۱۴	۲/۵۴
پنجم	هدیه‌های آسمان دوره پنجم ابتدایی	۷۳۳	۱۹	۲/۵۹
ششم	هدیه‌های آسمان دوره ششم ابتدایی	۵۸۰	۱۵	۲/۵۸
جمع کل				
میانگین کل تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت ترکیب)		۵۶۶/۴	۱۸/۸٪	۳/۴۳

همانطور که داده‌های درج شده در جدول حاصل از مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بر اساس میزان تاکید بر مهارت ترکیب نشان می‌دهد از کل جملات کتابها (۲۸۳۲ جمله) تنها ۹۴ جمله یعنی ۳/۴۳٪ از جملات کل کتابها با مولفه‌ی مهارت ترکیب مرتبط هستند.

سوال سوم پژوهش عبارت است از: تا چه میزان در برنامه‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی به رشد مهارت ارزشیابی در فراگیران توجه شده است؟

جدول شماره ۳- مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت ارزشیابی)

پایه تحصیلی	عنوان	کل جملات کتاب	فراوانی	درصد
دوم	هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی	۵۰۱	۲۲	۴/۳۹
سوم	هدیه‌های آسمان دوره سوم ابتدایی	۴۶۷	۸	۱/۷۱
چهارم	هدیه‌های آسمان دوره چهارم ابتدایی	۵۵۱	۴	۰/۷۲
پنجم	هدیه‌های آسمان دوره پنجم ابتدایی	۷۳۳	۱۷	۲/۳۱
ششم	هدیه‌های آسمان دوره ششم ابتدایی	۵۸۰	۲۴	۴/۱۳
جمع کل				
میانگین کل تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت ارزشیابی)				
		۵۶۶/۴	۱۵	۲/۶۵

همانطور که داده‌های درج‌شده در جدول حاصل از مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بر اساس میزان تاکید بر مهارت ارزشیابی نشان می‌دهد از کل جملات کتابها (۲۸۳۳ جمله) تنها ۷۵ جمله یعنی ۲/۶۵٪ از جملات کل کتابها با مولفه‌ی مهارت ارزشیابی مرتبط هستند. سوال چهارم پژوهش عبارت است از: تا چه میزان در برنامه‌های درسی هدیه‌های آسمان دوره آموزش ابتدایی به رشد مهارت توضیح در فراگیران توجه شده است؟

جدول شماره ۴- مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت توضیح)

پایه تحصیلی	عنوان	کل جملات کتاب	فراوانی	درصد
دوم	هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی	۵۰۱	۷۲	۱۴/۳۷
سوم	هدیه‌های آسمان دوره سوم ابتدایی	۴۶۷	۴۰	۸/۵۶
چهارم	هدیه‌های آسمان دوره چهارم ابتدایی	۵۵۱	۲۷	۴/۹۰
پنجم	هدیه‌های آسمان دوره پنجم ابتدایی	۷۳۳	۶۱	۸/۳۲
ششم	هدیه‌های آسمان دوره ششم ابتدایی	۵۸۰	۳۸	۶/۵۵
جمع کل				
میانگین کل تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت توضیح)				
		۵۶۶/۴	۴۷/۶	۸/۴۰

همانطور که داده‌های درج شده در جدول حاصل از مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بر اساس میزان تاکید بر مهارت توضیح نشان می‌دهد از کل جملات کتابها (۲۸۳۲ جمله) تنها ۲۳۸ جمله یعنی ۸/۴۰٪ از جملات کل کتابها با مولفه‌ی مهارت توضیح مرتبط هستند. سوال پنجم پژوهش عبارت است از: در مجموع کتاب‌های هدیه‌های آسمان تا چه میزانی به مهارت‌های تفکر انتقادی توجه دارد؟

جدول شماره ۵- مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت‌های تفکر انتقادی)

پایه تحصیلی	عنوان	کل جملات کتاب	فراوانی کل	درصد
دوم	هدیه‌های آسمان دوره دوم ابتدایی	۵۰۱	۱۲۸	۲۵/۵۴
سوم	هدیه‌های آسمان دوره سوم ابتدایی	۴۶۷	۷۹	۱۶/۹۱
چهارم	هدیه‌های آسمان دوره چهارم ابتدایی	۵۵۱	۵۹	۱۰/۷۰
پنجم	هدیه‌های آسمان دوره پنجم ابتدایی	۷۳۳	۱۰۹	۱۴/۸۷
ششم	هدیه‌های آسمان دوره ششم ابتدایی	۵۸۰	۸۴	۱۴/۴۸
جمع کل				
میانگین کل تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت‌های تفکر انتقادی)		۵۶۶/۴	۹۱/۸	۱۶/۲۰

همانطور که داده‌های درج شده در جدول حاصل از مقایسه تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بر اساس میزان تاکید بر مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح) نشان می‌دهد از کل جملات کتابها (۲۸۳۲ جمله) تنها ۴۵۹ جمله یعنی ۱۶/۲۰٪ از جملات کل کتابها با مولفه‌های مهارت‌های تفکر انتقادی مرتبط هستند.

سوال ششم پژوهش عبارت است از: تفاوت توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در پایه‌های تحصیلی به چه میزانی است؟

جدول شماره ۶- تفاوت تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان در پایه‌های تحصیلی (براساس مهارت‌های تفکر انتقادی)

پایه تحصیلی	مهارت تجزیه و تحلیل	مهارت ترکیب	مهارت ارزشیابی	مهارت توضیح
دوم	۱/۵۹٪	۵/۱۸٪	۴/۳۹٪	۱۴/۳۷
سوم	۲/۳۵٪	۴/۲۸٪	۱/۷۱٪	۸/۵۶
چهارم	۲/۵۴٪	۲/۵۴٪	۱/۷۲٪	۴/۹۰
پنجم	۱/۶۳٪	۲/۵۹٪	۲/۳۱٪	۸/۳۲
ششم	۱/۲۰٪	۲/۵۸٪	۴/۱۳٪	۶/۵۵
جمع کل	۹/۳۱٪	۱۷/۱۷	۱۳/۲۶	۴۲/۷

با عنایت به جدول تفاوت‌های تحلیل محتوای کتاب‌های هدیه‌های آسمان در پایه‌های تحصیلی براساس مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح) نتایج بیانگر آن است که:

الف) در سطح مهارت تجزیه و تحلیل در پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی در دروس هدیه‌های آسمان مقطع چهارم ابتدایی بیشترین توجه و در مقطع ششم کمترین توجه شده است.

ب) در سطح مهارت ترکیب در پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی در دروس هدیه‌های آسمان مقطع سوم ابتدایی بیشترین توجه و در مقطع چهارم کمترین توجه شده است.

ج) در سطح مهارت ارزشیابی در پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی در دروس هدیه‌های آسمان مقطع دوم ابتدایی بیشترین توجه و در مقطع چهارم کمترین توجه شده است.

د) در سطح مهارت توضیح در پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی در دروس هدیه‌های آسمان مقطع دوم ابتدایی بیشترین توجه و در مقطع چهارم کمترین توجه شده است.

ه) در سطح مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح) در پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی در دروس هدیه‌های آسمان مقطع دوم ابتدایی بیشترین توجه و در مقطع پنجم کمترین توجه شده است.

و) در سطح تفاوت‌های مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و توضیح) در مجموع پایه‌های تحصیلی دوره ابتدایی در دروس هدیه‌های آسمان بالاترین توجه به مهارت توضیح و به مهارت تجزیه و تحلیل کمترین توجه شده است.

بحث و نتیجه گیری

برخورد انتقادی و متفکرانه با مسایل علمی و سایر مسایل زندگی نیاز به پرورش ویژه دارد که به نظر می‌رسد در نظام تربیتی ما از آن غفلت شده است که بایستی در این زمینه ارزیابی‌هایی صورت گیرد. بر همین مبنا است که "رشد تفکر منطقی، تفکر انتقادی و حل مساله، هسته مرکزی نظریه پردازان برنامه‌های آموزشی و تدریس بوده است.

نتایج تحقیق حاضر با هدف شناسایی میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی، توضیح) در برنامه درسی هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بیانگر آن است که توجه به این مهارت‌ها در دروس هدیه‌های آسمان بسیار کم است و شایسته است در دروس دینی با عنایت به مکتب انسان ساز اسلام که انسانها را به تفکر و می‌دارد عنایت بیشتری توسط برنامه ریزان درسی گردد. نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر شامل: ۱- در ارتباط با پرسش اول پژوهش؛ میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت تجزیه و تحلیل) ۱/۸۶٪ است، که این عدد بیانگر آن است که به مهارت تجزیه و تحلیل توجه چندانی نگردیده است و دانش آموزان کمتر تشویق به تحلیل مطالب درسی می‌گردند، لذا شایسته است که عنایت بیشتری در محتوای متن آموزشی به مهارت تجزیه و تحلیل گردد. ۲- در ارتباط با پرسش دوم پژوهش؛ میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت ترکیب) ۳/۴۳٪ است، که عدد به دست آمده نشان دهنده آن است که در مجموع کتب هدیه‌های آسمان در زمینه هدایت شاگردان به مهارت ترکیب که در نهایت منجر به خلاقیت دانش آموزان می‌گردد در سطح مطلوبی قرار نگرفته است که توجه بیشتری را می‌طلبد. ۳- در ارتباط با پرسش سوم پژوهش؛ میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت ارزشیابی) ۲/۶۵٪ است، که میانگین عدد حاصل بیانگر این نکته است که در دروس هدیه‌های آسمان به مهارت ارزشیابی و قضاوت در دانش آموزان توجه ویژه‌ای نگردیده است که لازم است با نگاهی عمیق تر به این مساله نگریسته شود تا شاگردان در امور دینی به رشد قضاوت و ارزشیابی منطقی برسند. ۴- در ارتباط با پرسش چهارم پژوهش؛ میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس مهارت توضیح) ۸/۴۰٪ است، که میانگین عدد حاصل گر چه نشان دهنده آن است که به مهارت توضیح در مجموع کتب هدیه‌های آسمان نسبت به مهارت‌های دیگر تفکر انتقادی توجه بیشتری شده است اما جا دارد

به این نکته جهت درک و فهم شاگردان نسبت به مسایل معنوی عنایت بیشتری گردد. ۵- میانگین کل میزان توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی (براساس کل مهارت‌های تفکر انتقادی) ۱۶/۲۰٪ است، که میانگین مجموع مهارت‌های تفکر انتقادی (تجزیه و تحلیل، ترکیب، ارزشیابی، توضیح) در سطح مطلوب قرار نگرفته است، بدین معنی که کمتر از ۲۰٪ از کل مطالب کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی به مهارت‌های تفکر انتقادی پرداخته است که شایسته است مولفان کتب درسی در این زمینه توجه بیشتری به این مهارت‌ها داشته باشند تا شاگردان بر اساس فهم، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی و قضاوت منطقی به یادگیری دروس دینی بپردازند و مطالب را به صورت حفظی نیاموزند. ۶- با توجه به تجزیه و تحلیل اطلاعات در مجموع سطح توجه به مهارت‌های تفکر انتقادی در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بالاترین توجه به مهارت توضیح و کمترین توجه به مهارت تجزیه و تحلیل شده است، که جا دارد متولیان تعلیم و تربیت عنایت خاصی به آن داشته باشند. ۷- تجزیه و تحلیل محتوای کتب هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی با نتایج تحقیقات صورت گرفته؛ هانگ و ژیو (۲۰۱۴)، قاسمی و کاظمی (۱۳۹۳)، علیپور و همکاران (۱۳۹۲)، رضویان و سلطان قرایی (۱۳۸۹)، هاشمیان نژاد (۱۳۸۰) در این زمینه همسو است، بطوری که کتاب‌های درسی به عنوان محتوای آموزشی به مهارت‌های تفکر انتقادی توجه زیادی ندارد و شایسته است که متخصصان تعلیم و تربیت عنایت بیشتری به آن با توجه به آموزه‌های اسلامی در دروس مذکور به این مولفه‌ها داشته باشند.

کتابنامه

- اسمیت، فیلیپ (۱۳۷۳). تفکر منطقی روش تعلیم و تربیت، ترجمه علی شریعتمداری، تهران: انتشارات سمت. بابا محمدی، حسن و خلیلی، حسین (۱۳۸۳). مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان، مجله آموزش در علوم پزشکی، ۱(۴)، ۲۳-۳۱.
- خلیلی، حسین (۱۳۸۲). مقایسه تاثیر دو روش آموزش کلاسیک مبتنی بر استراتژی‌های تفکر انتقادی بر یادگیری‌یابدار دانشجویان پرستاری، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۵(۱)، ۵۳-۶۳.
- رضویان شاد، مرتضی و سلطان قرایی، خلیل (۱۳۸۹). بررسی ادراک معلمان از تفکر انتقادی، فصلنامه علوم تربیتی، ۱۱(۳)، ۲۹ - ۴۶.
- سرمد، غلامعلی و سیدی، فرشید (۱۳۹۲). بررسی تاثیر آموزش تفکر انتقادی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۵(۱)، ۱۰۱ - ۱۱۸.
- سلطان قرایی، خلیل و سلیمان نژاد، اکبر (۱۳۸۷). تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس، دو فصلنامه تربیت اسلامی ۶(۳)، ۱۸۱ - ۱۹۵.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۱). روانشناسی پرورشی نوین، تهران: انتشارات دوران.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۳). روانشناسی تربیتی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شعبانی، حسن و مهر محمدی، محمود (۱۳۷۹). پرورش تفکر انتقادی با استفاده از آموزش مساله محور، مجله مدرس، ۴(۱)، ۱۱۵ - ۱۲۵.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). روش تدریس پیشرفته؛ آموزش مهارت‌ها و راهبرهای تفکر، تهران: انتشارات سمت.
- عارفی، محبوبه و رضایی زاده، مرتضی (۱۳۹۰). مروری بر نقش و جایگاه برنامه درسی دانشگاهی در رشد تفکر انتقادی دانشجویان، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۲(۳)، ۴۲ - ۶۲.
- عباسی یادکوری، مروارید (۱۳۸۱). بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی مقطع متوسطه در پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی بر مبنای اجتماعی برنامه درسی، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- علی پور، وحیده (۱۳۹۲). تاملی بر موانع تفکر انتقادی در برنامه درسی آموزش متوسطه، مجله پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۹(۱)، ۱-۱۵.
- فریره، پائولو (۱۳۶۸). آموزش شناخت انتقادی، ترجمه منصوره کاویانی، تهران: انتشارات آگاه.
- قاسمی، حسین و کاظمی، محمود (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کتاب درسی هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مجله نوآوری های آموزشی، ۱۳(۴)، ۱۱۶-۱۰۰.

- قاضی مرادی، حسن (۱۳۹۱). درآمدی بر تفکر انتقادی، تهران: نشر دات .
- کرد نوقایی، رسول و پاشا شریفی، حسن (۱۳۸۴). تهیه و تدوین برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دانش آموزان دوره تحصیلی متوسطه تهران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۲(۴)، ۳۴-۱۱.
- مایرز، چت (۱۳۸۶). آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایبلی، تهران: انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیست و پنجم، قم: انتشارات صدرا.
- میلر، جی. پی، (۱۳۸۲). نظریه‌های برنامه درسی، ترجمه محمود مهر محمدی، تهران: انتشارات سمت.
- ندافی، راضیه (۱۳۹۳). ضرورت ترویج تفکر انتقادی و خلاق در جامعه امروز، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- هاشمیان‌نژاد، فریده (۱۳۸۰). «ارائه چهارچوب نظری درخصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی» رساله دکتري دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات .
- Browne, Neil (2003). Critical Thinking is Objective. College Student Journal.*
- Chaffee, John (2006). Teaching Critical Thinking across the Curriculum, new Directions for Community Colleges, volume 1992 Issue 34.*
- Curtis, f., Rudd, T., Gallo, R., Eckhrt, M., Ricketts, E (2008). Overtly Teaching Critical Thinking and Inquiry-based learning: A Comparison of two undergraduate biotechnology Classes. Journal of Agricultural Education, 49(1): 72-84.*
- Fisher, Alec (2005). Critical Thinking: an introduction, United Kingdom: Cambridge University Press.*
- Fowler (2008). the ethical Practice of Critical Thinking. Carolina academic.*
- kind (1991). the skills of argument. Cambridge: Cambridge University Press.*
- Lipman, M. (1998). Critical Thinking: what it can be? Educational Leadership, 46(1), 38-43.*
- Nelson, T. o (2001). Meaning of Critical Thinking. Critical Thinking and Education. Cambridge University Press.*
- Page, D (2001). Promoting Critical Thinking Skills by using negotiation exercises. Journal of Education for business.*
- Andolina, M (2001). Critical Thinking for Working Students, Columbia, Delmar Press.*
- Cottrell's (2011). Critical Thinking Skills: Developing effective analysis and gument. NY: Palgrave Macmillan.*
- Meyers, Chet (1986). Teaching Students to thginkin Critically, Sanfrancisco, Jossey –bass publisher.*

Paul, r (2005). The state of Critical Thinking today. New directions for community colleges, 130, 140

Cakir & Yurtsever (2013). An assessment of critical thinking Skills based architectural project cours in terms of students outputs, Procedia – social and behavioral sciences, Ankara, Turkey. pp. 348-355.

Claudia Schumann (2012). Boundedness beyond reification: cosmopolitan teacher educationas critique. Ethics & Global Politics, Vol. 5, No. 4, 2012, pp. 217_237

Demirhan & Koklukaya (2014). The critical thinking Dispositions of prospective sciences Teachers, Procedia – social and behavioral sciences, Ankara, Turkey. pp. 1551-1555.

Hong MA. , PAN Zhiyuan (2014). Is Critical Reading Indispensible to College English for General Purpose in China? Cross-Cultural Communication, Vol. 10, No. 3, 2014, pp. 77-83